

هشدار و زنگ خطر!

فهرست:

معرفی اجمالی مکتب تفکیک میرزا مهدی اصفهانی

جمعی از اساتید معارف و عماد حوزه علمیه

۱) نقد آرای علمی و دینی، وظیفه‌ای الهی بوده و هرگز نباید به عنوان اهانت به دیگران تلقی شود، نیز ارادت برخی از افراد به برخی دیگر نباید مانع نقد و بررسی نظریات ایشان شده، و دفاع از دین فدای دفاع از خدمتگزاران دین گردد.

۲) همان‌طور که روش تمامی نقدهای علمی است در این نوشته نیز تنها محل شاهد مطالب آورده شده، اما در عین حال کاملاً دقت شده است که با توجه به قبل و بعد کلام، مراد گویندگان تغییر نکند، و امانت علمی مراعات شود. لذا هیچ‌گونه تقطیع مخلی صورت نگرفته است.

معرفی مکتب تفکیک ۲
برفی از انحرافات ایشان ۵
سند و سلسله مکتب میرزا و داستان غیر
واقعی دیدار امام زمان علیه السلام ۸
نمونه‌ای از مطالب و عبارات تفکیکیان ۱۱
استفتا و پاسخ ۲۱
نتیجه مناظره با تفکیکیان ۲۹
کوشش نافرجام برفی تفکیکیان ۳۰

انتقادات، سؤالات، پیشنهاد و مناظره:

۰۹۳۷۳۳۱۳۵۱۹

kfe_qom@yahoo.com

و قبل و بعد مطالب ایشان را بررسی فرمودند نه تقطیع محل را پذیرفتند، و نه از فتوای قبلی خود برگشتند. و هیچ کدام نگفتند که مطالب میرزا غیر از مطالب صوفیه است! بلکه برخی مراجع به شدت ایشان را توبیخ کردند، و دیگران یا مانند حضرت آیت الله روحانی در نهایت از گفته‌های میرزا اظهار بی‌اطلاعی کردند، و یا مانند حضرت آیت الله وحید می‌گویند میرزا مسلماً مخالف وحدت وجود بود اما حرف‌های خودش همان حرف‌های باطل دیگران است [همان طور که قطعاً آخوند خراسانی مخالف جبر است اما حرف‌هایش همان حرف‌های جبری‌ها است] و یا مانند حضرت آیت الله سیستانی و حکیم می‌گویند که ما مطالب مورد سؤال را گفته‌ایم که مخالف مکتب اهل بیت و باطل و وحدت وجود است و انتساب به قائل آن را کاری ندارند.

والحمد لله رب العالمین.

شمسیر کت راست کند قامت دین را...

بسم الله الرحمن الرحيم

معرفی مکتب تفکیک

مکتب تفکیک میرزا مهدی اصفهانی، که برخی آن را مکتب و روش علما و فقهای امامیه نیز می‌خوانند مکتبی است با تابلوی بسیار زیبا با عنوان:

مکتب دفاع از معارف مکتب وحی،

در مقابل مکاتب معرفت بشری و فلسفی و عرفانی!
انسان وقتی که با این عنوان زیبا روبرو می‌شود بسیار به وجد و شغف می‌آید که در این دورانی که پر است از انحرافات و افکار بی‌سر و ته بشر ساخته، با مکتبی روبرو می‌شود که به راحتی دست او را می‌گیرد و یکسره به دست مکتب وحی می‌سپارد، اما افسوس که وقتی مستقیماً به کتاب‌ها و مدارک دست اول این مکتب مراجعه می‌کند می‌بیند که:

مکتب تفکیک یکی از دورترین مکاتب، از معارف

قرآن و اهل بیت علیهم السلام است

صراحت دارد در معنایی که نادرست است... یا همان معانی دیگران است و یا این که غیر آن است که باز هم باطل است.

آقای ر. ب. مدافع تفکیک: خواسته ما همین است.

نیز آقای م. ب. در دفاع از مکتب تفکیک گفتند: این بحث‌هایی که در همین تقریرات مطرح شده، یک مبانی دارد که در تمام شاگردان ایشان همین مبانی حاکم بوده... در آن مبانی شما مشکل دارید و واقعاً اگر کسی در این مبانی اشکال کند معلوم می‌شود که خودش در توحید و معرفت الله مشکل دارد... و کسی که غیر این حرفی که در این جا گفته شده بگوید از معرفت دور است، توحیدش درست نیست! و بحث‌های دیگرش.

و آقای سیدان در ردّ ایشان گفتند: که از جمله خود بنده هستم!

کوشش نافرجام برمی تفکیکیان

برخی از تفکیکیان بعد از صدور این فتاوا، با کوشش بسیار خواستند مراجع محترم را از فتاواي خود برگردانند، و نزد ایشان ادّعا کردند که عبارات ایشان تقطیع شده است! ولی مراجع محترم که کتاب‌ها

که گاهی در پوشش عبارات دو پهلو و فریبنده، و دیگرگاه کاملاً صریح و بی‌پروا، همان مطالب باطل بشر ساخته و انحرافی را به عنوان مکتب وحی و اهل بیت علیهم السلام تحویل می‌دهد! و مدافعان آن به جای این که به اشکالات علمی که به ایشان می‌شود پاسخ بگویند دائماً به دفاع‌های غیر علمی از شخصیت‌های مکتب خود می‌پردازند و گویا هرگز نمی‌خواهند به تفاوت بین نقد شخصیت با نقد علمی مکتب توجه داشته باشند.

تفکیک، مذهب و مکتبی با ظاهری فریبا و باطنی دیگر، خلوص معارف الهی را به شدّت از درون تهدید می‌کند چرا که برخی مریدان آن با وجهه محترم و غالباً حوزوی و موجّه، همان مبانی صوفیه و شیخیه و بابیه را به عنوان معارف مکتب کتاب و سنت تقویت می‌کنند. مخفی نماند که شیخ احمد احساسایی رئیس مکتب شیخیه، و بالمآل مؤسس باییت و بهائیت، در ابتدا در بین علما دارای جاهت

خاصی - بسیار بیشتر از میرزای اصفهانی رئیس تفکیک - بود و بعدا ماهیت انحرافی او توسط جمعی از علما و فقهای بزرگوار آشکار شد.

یکی از مهم‌ترین وظایف علما، شناساندن واقعیت ایشان به دیگران است که بحمد الله این مهم توسط مراجع بزرگوار و بسیاری از محققان و نویسندگان مسؤول و آگاه انجام یافته است؛ ولی برخی اتباع مرموز مکتب مذکور، با جدیت تمام در پی آنند که با تهمت و افترا و تحریف واقعیات و نسبت دروغین تقطیع محل، امر را بر ناآگاهان مشتبّه ساخته، و مکتب انحرافی خود را نجات دهند.

فرقه شیخیه در مورد شیخ احمد احسائی، و صوفیه در مورد ملا سلطان گنابادی و تابنده و... به تقدّس و عصمت تلویحی و امتیازات خاصی معتقدند. در مکتب تفکیک نیز غالباً این‌گونه القا می‌شود که برخی رهبران و مؤسسان مکتب ایشان اشخاصی مقدّس و ممتاز نسبت به سایر علما می‌باشند، چرا که

از نظر استدلال کار مشکلی بود که بگویم این انوار حادثند! (فایل صوتی و تصویری موجود است).

مرحوم آیت الله شیخ محمد رضا جعفری می‌فرمایند: مکرراً از مرحوم آیت الله سید محمد روحانی شنیدم که مرحوم کمپانی فرمودند: میرزا مهدی اصفهانی همان مطالب فلاسفه را به عنوان مطالب مخالف فلسفه تحویل می‌دهد. (فایل صوتی موجود است).

نتیجه مناظره با تفکیکیان پیرو میرزای اصفهانی در شهر مقدس قم^۱

آقای سید جعفر سیدان حفظه الله تعالی: این حرف‌ها در این صورت مطرح نشود و تدریس نشود و تبلیغ کردن این‌ها صحیح نیست. در مجموع، قسمتی از مطلب که در تقریرات آمده است... عبارات، ظهور، بلکه فوق ظهور دارد، بلکه قسمتی از عبارات نصّ است در مطالبی که به نظر من نادرست است! ... در نتیجه حرفهایی از مرحوم میرزا هست که به عقیده بنده باطل است... به نظر من این‌ها باطل است، من اشکال دارم به این عبارات و این عبارات باطل است به نظر من... بلکه

۱. صوتی و تصویری جلسه موجود است.

که اساس اختلاف بین نظریات صوفیانه در مقابل عقاید کلامی می‌باشد - بوده است).

نیز حضرت آیت الله وحید دام ظلّه العالی فرمودند:

حرف میرزا مهدی اصفهانی در حدوث اسمای نوریه
مثل نور علم و نور عقل، با حرف فلاسفه متحد است. و من به مرحوم شیخ هاشم قزوینی گفتم: این حرف میرزاست در حالی که از نظر ضرورت دین و آیات و روایات، تمام ما سوی الله حادث است به حدوث حقیقی، نه این که تنها حدوث ذاتی یا حدوث زمانی باشد، بلکه تمام ما سوی الله حادثند به حدوث حقیقی که شامل حدوث زمان هم بشود. (شاهدان عینی مطلب موجودند).
نیز ایشان افزودند:

آنچه ما از ایشان دیده‌ایم تنها در مقام نفی بوده است و از جهت اثبات چیزی از ایشان استفاده نکرده‌ایم.
آقای سیدان حفظه الله از حضرت آیت الله وحید دام ظلّه العالی نقل می‌نمایند:

در جلسه‌ای که بنده در درس میرزا شرکت نموده بودم میرزا در مورد خلقت انوار معصومین علیهم السلام یک حرفی زدند که به نظر بنده اثبات حدوثش

به ادعاهای موهون ایشان، امام زمان علیه السلام مؤسس مکتب ایشان را متحمل علوم خود نموده‌اند، و ایشان با شخصی از طرف امام زمان علیه السلام مستقیماً در ارتباط بوده، و شخصیت و عقاید و مطالب ایشان غیر قابل نقد است. البته روشن است که شیخیه و صوفیه گاهی هم از باب مصلحت می‌گویند که ما رهبرانمان را معصوم نمی‌دانیم ولی هرگز کم‌ترین نقدی را نسبت به ایشان بر نمی‌تابند.

بسیاری از مدافعان سرسخت مکتب تفکیک، از باطن و مدارک اصیل آن اطلاع کافی ندارند و فقط ظاهر تبلیغاتی آن را می‌شناسند؛ کما اینکه بسیاری از منتقدان ایشان نیز در مقابل ایشان به دفاع از فلسفه و عرفان برمی‌خیزند در حالی که خبر ندارند مکتب تفکیک جز تصوّف در لباس معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام چیز دیگری نیست.

برفی از انحرافات ایشان عبارت است از:

(۱) انکار معنای واقعی خلقت، نفی وجود حقیقی

الانحرافات والبدع العقائدية التي حاربها ائمة اهل البيت عليهم السلام بكل شدة وحدة، وهكذا علماء الشيعة الابرار. نسأل الله العظيمة والعزة للاسلام وحوزته حوزة آل البيت عليهم السلام. قم المقدسه ماجد الكاظمي. ۲۶-۳-۱۳۸۸. ه. ش.

حضرت آیت الله وحید دام ظلّه العالی در عین این که شخص میرزا را مخالف فلسفه و وحدت وجود می دانند اما بیان داشتند:

بنده در درس مرحوم میرزا مهدی اصفهانی بودم و دیدم که ایشان همان حرف های فلاسفه را می زنند، به مرحوم شیخ هاشم قزوینی که در کنار ایشان نشسته بودم گفتم: ایشان که همان حرف های فلاسفه را می زنند! ایشان گفتند: آخر درد ما هم همین است!... من پس از اتمام درس به جناب میرزا گفتم: حرف های شما که همان حرف های فلاسفه است. گفتند: از نظر بحثی اشکال وارد است، ولی شما باید مطلب (حدوث عالم) را شهود کنید. گفتم: مقام، مقام شهود نیست و البته این ها هم که پیرامون شما را گرفته اند متخیلند... (این قضیه در کتاب روزنه هایی از عالم غیب با اندکی اختلاف نقل شده است. در کتاب مورد اشاره بیان شده است که بحث در مورد حدوث عالم -

مخلوقات و منحصر دانستن وجود به خدا
۲) انکار علم ذاتی حق تعالی به اشیا، و ادعای حدوث معلومیت اشیا برای ذات احدیت پس از حدوث اشیا

۳) ادعای بی اساس تشرّف، و اتصال با منبع علم الهی و افراد خاص تعیین شده از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۴) انکار روش تعلیم و تعلّم و تعقّل، و منحصر دانستن راه به کشف و شهود صوفیانه

۵) اعتقاد به شناخت و شهود کنه ذات احدیت ایشان روش استدلال و برهان و تفکّر و تعقّل و تعلّم علوم نظری، و استناد به ضروریات و بدیهیات تصوّری و تصدیقی را که روش تمامی فقها و متکلمین و بلکه تمامی عقلای عالم غیر از سوفسطائیان است تخطئه می کنند و آن را روش دیوانگان می خوانند، و متقابلا خود را دارای نور علم و عقلی می شمارند که از هر گونه خطا و اشتباه مصون است و هرگز جهل

قرآن مجید است که برای اثبات وجود خدا به موجودات جهان آفرینش و اسرار آنها استدلال می‌کند.

همیشه موفق باشید. ۳۸۶۹۰ - ۸۸/۳/۹

حضرت آیت الله رضوی دام ظلّه العالی:

هشت مورد که در بالا آمده؛ ردیف ۱ تا ۳ اصول مشترک همه صوفیان است که خودشان را عارف می‌دانند! پنج ردیف دیگر مبانی ادعایی محی الدین بن عربی (جاده صاف کن کفار در جنگ‌های اندلس، جنگ‌های صلیبی و حمله مغول - رجوع کنید به جلد اول و دوم محی الدین در آئینه فصوص) می‌باشد کسی که به ردیف‌های هشت‌گانه بالا معتقد باشد یا پیرو محی الدین است، و یا مبانی او را به نام خود ارائه می‌دهد.

مرتضی رضوی

حضرت آیت الله شیخ ماجد کاظمی دام ظلّه العالی:

... نحن نؤكد هنا على مخالفة هذه الافكار والاعتقادات لرؤية الاسلام عن التوحيد الالهي والمعارف الالهية، ونعلن براءة الاسلام ومخالفته لهذه الافكار، وكذلك ابناؤه وعلماءه يتبرئون من هذه الاعتقادات... ونطلب من كل المخلصين من ابناء الاسلام والمحوزة العلمية بالخصوص المناهضة والوقوف امام هذه

مركب در آن راه ندارد، و همانند شیخ احمد احسائی تلویحا خود را دارای مقام عصمت می‌دانند.

بدهی است این مبنا موجب تحزب و تفرق جمعیت مسلمانان، و آشوب میان ایشان شده، خطر پدید آمدن گروه‌هایی افراطی مانند وهابیت و بهائیت و... را در پی خواهد داشت.

میرزا برای رفع تهمت، کتابی نیز در ردّ شیخ احسائی نوشته است که البته در آن نوشته هم پیوسته از جنون و نادانی او دم می‌زند، همان‌طور که کتاب‌های او در ردّ فلاسفه نیز گاهی چنین است.

در مکتب تفکیک اصیل، تنها چیزی که ارزش دارد کشف و تجرید و شهودهای صوفیانه است و تفکیکیان امروزی چون این انحراف و نقص جبران‌ناپذیر مکتب خود را دیده‌اند به طور غیر محسوس در پی بازسازی مکتب و مرام خود برآمده و بر خلاف اصول مکتب خود، پیوسته دم از استدلال و عقلانیت و آیه و روایت می‌زنند و برخی

ناآگاهان از کتب و مبانی ایشان هم حرف‌های آنان را می‌پذیرند!

سند و سلسله مکتب میرزا و داستان غیر واقعی دیدار امام زمان علیه السلام

در مکتب تفکیک، برای میرزا مهدی اصفهانی رهبر و مؤسس این گروه ادعای تشرف به خدمت امام زمان علیه السلام نیز شده است در حالی دست‌نوشته خود میرزا شاهد بر این است که ایشان فقط کاغذ نوشته‌ای را در خواب دیده است.

در مکتب ایشان گاهی ادعا می‌شود میرزا مهدی اصفهانی در عالم کشف و شهود خود به خدمت شخصی به نام صاحب علم جمعی (که در واقع بی‌شباهت به همان رکن رابع شیخیان نیست) و ده‌ها سال قبل از او از دنیا رفته است می‌رسیده و از او کسب معارف می‌نموده است. برخی پیروان میرزا در باره مقامات و شدت ارتباط وی با امام زمان علیه السلام مدعی‌اند:

مخالف آیات و روایات معتبره است. و باید از این افکار و آرای منحرف جدا پرهیز کرد، بلکه این مطلب همان وحدت وجود و موجود باطل می‌باشد که مستلزم انکار خالق و خالقیت می‌باشد. ۲۶۶۶

فتوای دوم: ... آن‌چه قبلاً از دفتر قم صادر شده با توجه به مطالب نقل شده در سؤال بوده است و نه راجع به صحت انتساب آن به امثال ایشان [یعنی میرزا مهدی اصفهانی].

(تذکر: البته مراجع محترمی که مطالب ایشان را از نزدیک دیده‌اند قاطعانه صحت انتساب را هم تأیید نموده‌اند).

حضرت آیت الله سید صادق شیرازی دام ظلّه العالی: بسمه تعالی. سلام علیکم. غالب تعبیراتی که در این نامه آمده است مخالف قرآن مجید و احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می‌باشد..

۱۴۳۱/۴/۹۳ - ۳ - ۲۸ صفر المظفر ۱۴۳۱

حضرت آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه العالی: بسمه تعالی آن‌چه در بالا آمده مطالب صحیحی نیست و ظاهر بعضی از تعبیرات آن بر خلاف صریح

بسمه تعالی - مطالب مذکوره مخالف شریعت اسلام و تعالیم قرآن و اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

۳۰۶۳ - ۳۱ - ۳ - ۱۳۸۸

حضرت آیت الله سید صادق روحانی دام ظلّه العالی:

فتوای اول: بسمه جلت اسمائه - تمام این سؤالات اصلش اعتقاد به وحدت وجود است... ۶- ج ۲ - ۱۴۳۰

فتوای دوم: بسمه جلت اسمائه. اگر مراد این است که خدا از وجود خودش به اشیا می‌دهد، لازم می‌آید که خدا ناقص شود. و اگر مراد این است که همان وجود خدا، وجود سایر اشیا است، این وحدت موجود است زایدا بر وحدت وجود که محی الدین عربی گفته است و آن را فلاسفه هم کفر دانسته‌اند چه رسد به علما. چنانچه مراد از عدم جعل خدا موجودی را، قدم سایر موجودات است آن هم کفر است، و اگر مراد این است که اشیا تعینات خدایند آن هم وحدت موجود است... اعتقاد به سنخیت خداوند با ماسوای او هر چه باشد باطل است. ۲۰ رجب ۱۴۳۱

حضرت آیت الله سیستانی دام ظلّه العالی:

بسمه تعالی اکثر این مطالب با معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام مغایرت و مابینت واضح دارد و

... متوسّل به حضرت شده بود. حضرت در بیداری بر سر قبر هود و صالح در وادی السلام نجف تشریف فرما شدند و بر او تجلی کردند، و راه را به او نمایاندند. آن بزرگ این چنین آدمی بوده است... سرانجام متوسّل به حضرت شد، و ایشان بر او تجلی کردند. نواری سبز رنگ که با خطی نورانی بر آن عبارات زیر نوشته شده بود، جلو سینه مبارکشان بود: "طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساوق لانکارنا". وقد اقامنی الله وانا حجة ابن الحسن. حجة ابن الحسن قدری درهم به شکل امضا نوشته شده بود. (حلی، محمود، معارف الهیه، درس اول).

داستان فوق چیزی است که بسیاری از پیروان میرزای اصفهانی درباره او نقل می‌کنند، و آن را در السنه و افواه پراکنده‌اند، در حالی که داستان مذکور اساسی ندارد چرا که میرزای اصفهانی به استناد دست‌نوشته خود او که در پایان کتاب ابواب الهدی توسط پیروان وی کلیشه شده است تصریح می‌کند که آنچه بیان شد در خواب بوده است نه بیداری، و تنها کاغذی را در خواب دیده است نه امام زمان علیه السلام را، و در حجره بوده است نه در وادی

السلام، و عبارت مذکور هم چیز دیگری بوده است و تفکیکیان آن را تحریف نموده‌اند.

تفکیکیان در مورد سرسلسله خود ادعا می‌کنند:

خداوند بر علو درجات صاحب علم جمعی بیفزاید که خداوند به وسیله او زنده کرد روایات را. هزار و سیصد سال گذشته است و آقایان این روایات را می‌دیدند و اشتباه می‌کردند!

یادمان نرود که شیخیه نیز معتقدند که علوم اهل بیت علیهم السلام تا زمان ظهور رکن رابع و مشایخ ایشان مخفی بوده است، و پس از گذشت بیش از هزار سال از ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، توسط مشایخ ایشان ظهور یافته و به ایشان رسیده است. تفکیکیان نیز می‌گویند:

در کتاب‌های کلامی هم این مطلب یافت نمی‌شود. دریافت این اصل از آن کسانی است که ملکوتشان به مقام امام زمان ارواحنا فداه اتصال یافته است و آن حضرت آنها را بر این حقیقت واقف نموده‌اند و تنبه

پاسخ استفتائات:

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی دام ظلّه العالی:

بسمه تعالی - تعلیم و تعلم این‌گونه مطالب موجب انحراف و ضلالت است. ۵۰۹ - ۸۸/۳/۲۳

حضرت آیت الله حکیم دام ظلّه العالی:

بسمه تعالی - تمام این گفته‌ها بی‌اساس و شیطانی است و آدم مسلمان و متعهد خودش را از این‌گونه حرف‌ها دور نگه می‌دارد. ۲۱۵ - ۶ - ۲ - خاص ۴۷۲، ۸۸/۵/۲۲

فتوای دوم: بسمه تعالی. السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. مطالب مذکوره باطل و از خرافات و جعلیات بشر است و باید تمام معارف حقه را از طریق قرآن با تفسیرهایی که از اهل بیت علیهم السلام بیان شده است اخذ نمود و هر راهی که غیر از روش ائمه علیهم السلام باشد گرایش باطل است و شرکت در این‌گونه جلسات گمراه کننده که موجب ترویج عقاید فاسده است حرام است و امید آنکه خداوند همه را از گزند این‌گونه انحرافات نجات دهد. ۲۷ - ۱۱ - ۱۳۸۸

حضرت آیت الله شاهرودی دام ظلّه العالی:

نیست، لذا شیطان و شمر هم دارای نور وجود و نور ولایت می‌باشند.

(۵) وجود اشیا به جعل و فعل و تاثیر خداوند نمی‌باشد. بلکه اشیا، مانند تقوم صفات به موصوفات، به خدا متقومند.

(۶) کمالات اشیا (وجود و علم و قدرت آن‌ها) با خدا هم سنخ بوده، و اشراقات ذاتیه او می‌باشد. و عدم سنخیت بین خالق و مخلوق تنها از جهت تعینات مخلوقات، و لاتعینی خدا می‌باشد.

(۷) جز وجود خدا هیچ وجودی نیست، و ذات خدا به ذات خود ظاهر است، لذا فقط به خودش، و بدون واسطه یافته و شناخته می‌شود. و استدلال عقلی بر وجود خدا، خدای واقعی را نشان نمی‌دهد.

(۸) هر گونه استدلال و علمی که از راه تصوّر و تصدیق باشد باطل و ضلالت بوده، و طریقه مجانین است. و باید تنها از راه کشف و شهود و تجرید و جدا شدن از تفکر و تعقل به واقع رسید.

داده‌اند و اکنون پس از پنج واسطه برای شما مطرح می‌گردد. (حلی، محمود، معارف الاهیة، ۲۵۷).

لازم به ذکر است که بنابر برخی اسناد، برخی مدّعی‌اند که میرزا نیز گرفتار توهمات بوده، و تحت معالجه قرار گرفته است. برخی دیگر از اصحاب میرزا می‌گویند که میرزا در اواخر عمر متوجه شده که روش او در کسب معارف بر اساس تجرید و انخلاع بدن که روش صوفیان و مرتاضان است خلاف شرع بوده لذا از تجرید و انخلاع دست برداشته است.

لازم به ذکر است که در مناظرات انجام شده با برخی از ایشان، حق کاملاً واضح شده است و ایشان بارها به بطلان عقاید خود اعتراف کرده‌اند.

نمونه‌ای از مطالب و عبارات تفکیکیان:

ان جاعلیة الحق تعالی و فاعلیته للکائنات المکشفات المعلومات لیست بفعل منه تعالی لان حیث ذات الکائنات هو الکون والتحقّق به بلا جعل... وهذه هو الجاعلیة الذاتیة بلا فعل منه تعالی... یکون حیث ذات المجمعولات

بهذا الغير مجعولة بالذات... بلا جعل ولا فعل ولا تأثير ولا غيرها. (میرزای اصفهانی، معارف القرآن).

همانا جاعلیت و فاعلیت حق تعالی نسبت به کائنات ظاهر شده، فعل خدای تعالی نیست، زیرا کائنات از جهت ذات، چنینند که بدون این که جعل و آفرینشی در کار باشد موجود و محقق به خدایند. و همین است جاعلیت ذاتی بدون فعل خداوند... ذات مجعولاتی که به این غیر موجودند مجعولیت ذاتی می باشد بدون این که جعل و فعل و تأثیر و مانند این ها در کار باشد.

لیس شیء غیره تعالی و غیر وجوده وإلا یلزم التحدید. (تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی با تصحیح خود میرزا).

غیر خدا و وجود او، هیچ چیزی نیست و گرنه محدودیت خدا لازم می آید.

واقع مطلب این است که در عالم به هیچ وجه شرک نمی باشد. (معارف الهیه، حلبی، محمود، ۷۵۵).

تا انسان معتدل است و هوشیاری دارد، هرگز کسی نمی تواند به او بگوید که تو خدایی! (حلبی، محمود، معارف الهیه، نسخه آستان قدس رضوی، ۷۵۴).

فعل ما در جمیع مراحل غیر از توجه هیچ چیز دیگری نیست و این را احدی از فلاسفه (نه اشراق، نه مشاء، نه رواق) نفهمیده. (معارف الهیه، درس بیست و پنجم، ۴۱۹).

برخی از تعالیم تفکیکیان که در مورد آنها - بدون اشاره به شفص یا مکتب فاضی - از آیات و مراجع تقلید دامت برکاتهم استفتا شده است:

سلام علیکم لطفا بیان فرمایید که تعلیم و تعلم مطالب ذیل به عنوان معارف مکتب قرآن و اهل بیت علیهم السلام چه صورتی دارد:

(۱) هیچ وجودی جز وجود خدا نیست. و خدا از وجود خودش به اشیا می دهد.

(۲) خداوند هیچ موجودی جعل نمی کند، و گرنه تحدید ذات خودش لازم می آید.

(۳) اشیا تعینات خدایند.

(۴) در عالم به هیچ وجه شرک نمی باشد، چرا که وجود نور است، و هیچ وجودی جز وجود خدا

اثباتی نمی‌توان در مورد خداوند به واسطه عقل چیزی را اثبات کرد. (تاملی درباره کتاب تنزیه المعبود، محمد بیابانی).

... حدود این واقعیت را بر اساس قواعد فلسفی: الواحد لا یصدر منه الا الواحد و امکان اشرف می‌توان نشان داد. (معارف الهیه، ۷۸۴-۷۸۵)

آنچه در ماست از اوست. فی هستیم برای نایی. صدایی که از ما بیرون می‌آید صدای اوست؛ ما مشیت نداریم؛ مشیت ما به معنای آن است که خدا در ما احداث مشیت می‌کند. (معارف الهیه، ۷۷۰).

إن الفعل والانفعال المعقولی المقولی أى التأثير والتأثر غلط وباطل ولا مصداق لهما أبدا. (تقریرات درس میزرا مهدی اصفهانی، ۹۳).

فعل و انفعال معقولی مقولی یعنی تاثیر و تاثر غلط و باطل است و برای این دو ابداع مصداقی نیست.

تعریف الحق نفسه بغيره وتجليه وظهوره بغيره يرجع الى قرب العبد وصيرورته واجدا لربه وفاعلا به. (معارف القرآن، میرزا مهدی اصفهانی).

پس شناساندن خدا ذاتش را به توسط غیر خود، و نیز تجلی و ظهورش به توسط غیر خود، به معنای نزدیکی عبد به خدا، و دارا شدن ذات خدا را.

قاعده (سنخیت) در اعطای حق، کمالات نوری را، جاری است، انوار علم و حیات و سایر کمالات نوری علم ذاتی حق و اشراقات ذاتیه اوست. (عارف و صوفی چه می‌گویند، تهرانی، ۲۶۸، ۲۳۸).

لا وجود إلا وجود الله. (معارف الهیه، حلبی، محمود، ۷۸۴). هیچ وجودی نیست مگر وجود خدا. شیطان هم نور وجود دارد. وجود نور است. (معارف الهیه، حلبی، ۵۶۱).

حتى شمر هم دارای نور ولایت است. (معارف الهیه، حلبی، محمود، دوره دوم، درس دوازدهم).

كلما توجهت إلى هذا النور بوجه الهدية لا مناص لك من القول بأنه نور محمد ومخلوق... ولو نظرت إلى أصل نوريته وغمضت العين عن هديته فقد صرفت النظر عن الخلق بالكلية وتوجهت إلى الله تعالى. (تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی با تصحیح خود میرزا، ۶۵).

هر گاه به این نور و وجود [صادر اول] از نظر شکل و صورت و این بودن آن نگاه کنی، ناچار باید آن را نور محمد و مخلوق بدانی و حق نداری بگویی که آن خداست... و اگر به اصل نوریت و وجود آن نظر کنی و

از تعین و شکل آن چشم بیوشی، به طور کلی از خلق صرف نظر کرده و به خدا توجه نموده‌ای.

فی الواقع ونفس الامر مع قطع النظر عن التعینات والمضایق... فإذا هو [محمد صلی الله علیه وآله وسلم] الله تعالی. (تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی با تصحیح خود میرزا، ۶۷ - ۶۸).

در واقع و نفس الامر، با قطع نظر از شکل‌ها و محدودیت‌ها... او [محمد صلی الله علیه وآله وسلم]، خدای تعالی است.

حيث إنه ليس نور غير الله تعالى وإلا يلزم تحدیده بالفقدان والوجدان وهو التركيب لا يقال بأنه (الصادر الاول) مخلوق. (تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی با تصحیح خود میرزا، ۶۷).

از آن جا که نوری [= وجودی] جز نور [= وجود] خدا نیست - و الا لازم می‌آید خدا محدود به نداشتن و داشتن گردد، و این ترکیب است - گفته نمی‌شود که آن مخلوق است.

فهو تعالى يعطى من نور ذاته بالصادر الاول. فهو قبس من نور الله تعالى واشتق من نور عظمته. (تقریرات درس میرزا مهدی اصفهانی با تصحیح خود میرزا، ۶۷).

عین خود خدا را یافتند نه مفهوم واجب الوجود و نه مفهوم مصداق. (معارف الهیه، حلبی، محمود، نسخه خطی).

مراد از فطرت توحیدی، معرفت و شناخت می‌باشد نه عقیده به خدا. (مبانی خدا شناسی در فلسفه یونان و ادیان الهی، رضا برنجکار، ص ۱۳۲).

در معرفت قلبی، شخص خدا و... خود خدا رؤیت و شناسایی می‌شود و نه نشانه‌های او. (توحید و عدل، رضا برنجکار، ۴۴).

استدلال و نظر در باب خداشناسی برای اثبات خداوند متعال بی معناست... خدای واقعی جز به طریق شهود و رؤیت قلبی قابل شناخت نیست... اگر کنه خدا قابل شناخت نیست پس چگونه حضرت رضا علیه السلام از آن خبر داده... هیچ نقطه وجود ندارد که از ذات تعبیر کند حتی لفظ الله... جایز است فقط به او شیء گفته شود بدون این که چیزی از آن (شیء) فهمیده شود... علامه مجلسی (ره) از این روایت [اتوهم شیئا] می‌خواهد استفاده کند که حضرت امام باقر علیه السلام فرموده است خدا باید متوهم باشد!! اما همان طور که بیان شد این سخن درست نیست... از نظر

فالقول بامتناع معرفة الله وسد باب معرفة الكنه كما قال العرفاء قول باطل... والغرض أن شهود كنهه تعالى ممكن ولكن به لا بغيره لمكان إطلاقه ولا تعيينته ومحدودية الماهيات المخلوقة... الظاهر هو الله فقط وليس شيء سواه ولا أحد غيره. (تقريرات درس ميرزا مهدی اصفهانی، ۶۹ - ۷۰).

پس اعتقاد به محال بودن معرفت خدا و بستن باب معرفت کنه ذات خدا که عرفا به آن معتقدند باطل می‌باشد... و سخن ما این است که شهود کنه ذات خدای تعالی ممکن است، اما به خود خدا و بدون واسطه نه به غیر خدا، زیرا خدا مطلق و بدون شکل است؛ در حالی که ماهیات مخلوقه، محدود و شکل‌های محدود می‌باشند، و آن چه ظاهر و آشکار و نمایان است فقط خود خداست، و جز او هیچ چیزی وجود ندارد.

ملاقات خدا عبارت است از اینکه وجدان کنی خودت را و... دیگر احتیاج نداری به باری در اثبات خدا، باری در اثبات توحید خدا... صفات ثبوتیه... صفات سلبيه... بلکه اینها همه شرّ و ورّ است! و باید بریزید دور. با وجدانت می‌بای حقیقت واقع، واقع واقع را نه مفاهیم را این راه پیغمبران... و مفتاح معرفت فطری است. (معارف الهیه، حلبی، محمود، خطی، دوره دوم).

پس خداوند تعالی از وجود و ذات خودش به صادر اول می‌دهد، پس صادر اول قیسی از وجود خدای تعالی است که از وجود با عظمت او گرفته شده است. انه تعالی غیره مباین معه بینونة صفة متقومة بموصوفه. (میرزای اصفهانی، معارف القرآن).

خلق، جدا از خداست اما مانند جدایی صفتی که به موصوف خود متقوم است نه این که منغلز از آن باشد. ان هذا الكون المتطور بالكائنات... حيث ذاته الشیئیة والكون بالحق تعالی شانه. وليس له كینونة وشیئیة بنفسه في وجه من الوجوه. (معارف القرآن، میرزا مهدی اصفهانی).

همانا این وجودی که به صورت کائنات در آمده است... جهت وجودشان بودن و شیئیت به حق تعالی شأنه است و خودشان به هیچ وجهی از وجوه موجودیت و شیئیت ندارند.

حقیقت مختص ذات خداوند است. ذات مختص حضرت ربّ العزه می‌باشد. پس تو ذات، خدا هم ذات؟ تو حقیقت، خدا هم حقیقت؟ نه نه نه. غلط محض است کفر محض است. اگر چنین باشد پس تو هم مقابل خدایی. تو یکی خدا هم یکی! (معرفت نفس، میرزا مهدی اصفهانی، تحریر یگانه، ۳۵۷ - ۳۵۶، ابواب الهدی، چاپ اول، سال ۱۳۸۷، ۱۲۹).

در نظر مرحوم میرزا جواد آقا... به همین شیء مظلّم، از نور علم، از نور قدرت، افزایه می‌شود. که آن نور علم مخلوق هم نیست... به این ماء بسیط که حقیقت همه این اشیا هستند علم داده می‌شود، اما خود علم خلقتش چه طوری است؟ ایشان (میرزا جواد تهرانی) در علم، ما هم می‌گوییم، عبارتش اینست که نمی‌گویم علم مخلوق است!... مستضیء شدن این نیست که این مخلوق می‌شود، روح، دنیا، آخرت، بهشت، جهنم، ملائک، جن، همه... شعور، علم، نورانیت، حتی وجودی که کمال نوری است این‌ها ندارند، کون بالغیرند. (محمد بیابانی).

نتیجة البراهین هی العلوم الحصولیة وهی تضاد المعرفة لانها الشهود الحضورى. فاذن تكون المعقولات الحاصلة من البراهین كلها حجابا عن المعرفة لا موصلة اليها، فان المعرفة تحصل حضورا وشهودا للنفس لا للعقل، اى ليس للعقل فيه سبيل وطريق. (میرزا مهدی اصفهانی، تقریرات، ۳۰).

إن المعقولات الضرورية مظلمة الذات، واستكشاف الحقائق النورية أو الظلمانية بها عين الباطل، وطلب المعرفة من هذا الطريق عين الضلال المبين، فإنه طريق معوج، وهو سلوك المجانين. (ابواب الهدی، سال ۱۳۸۷، ۲۹۴).

تأمی معقولاتِ بدیهی و ضروری، سیاهی و تاریکی است، و کشف کردن حقیقت‌های نوری یا ظلمانی با آن‌ها عین باطل می‌باشد. و طلب معرفت از این راه عین ضلالت آشکار است، زیرا آن راه کج، و رهروی دیوانگان است.

إن تصور الشیء حجابہ کائنا ما کان والتصورات والتصديقات لا یفیدان إلا یقین ولا أمان لخطأ الیقین. (میرزا مهدی اصفهانی: ابواب الهدی، نسخه نجفی، ۶۹).

تصور شیء - هر چه باشد - حجاب آن است، و تصورات و تصدیقات هیچ فایده‌ای ندارند جز یقین، و هیچ امانی هم از خطای یقین در کار نیست.

خداوند بر علو درجات صاحب علم جمعی بیفزاید که خداوند به وسیله او زنده کرد روایات را. هزار و سیصد سال گذشته است و آقایان این روایات را می‌دیدند و اشتباه می‌کردند. (معارف الهیه، حلبی، محمود، نسخه خطی).

اصلا در این عالم هیچ چیز دیگری جز ادراک نیست. (معارف الهیه، حلبی، محمود، خطی).

بیرون ز تو نیست آنچه در عالم هست. (معارف الهیه، حلبی، محمود، خطی، دوره دوم، ۱۴۶).